فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵، صص ۲۹-۵۴

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۲۰۲

بازنمایی «کنش حمایتگرانه» در آیینه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران

جلال درخشه[1]
استاد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)
علی کمالی [2]
دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۱۱

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

یکی از هنجارهایی که نمود بارزی در رهیافت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد، هنجار «عدالت‌گستری» و در راستای آن «حمایتگری» از اقشار مظلوم و مستضعف جوامع مختلف و محرومیت‌زدایی از آنان است. اصلی که امام خمینی(ره) آن را عقیده و مسلک خود معرفی می‌کرد. این هنجار هویت جمهوری اسلامی را به‌عنوان یک کنشگر و واحد سیاسی حمایت‌گرا و عدالت‌گستر شکل داده است و می‌تواند بستر مناسبی برای تألیف قلوب نسبت به جمهوری اسلامی ایران، گسترش عمق راهبردی و افزایش حوزه نفوذ اجتماعی و به تبع آن سیاسی ایران شود. به‌ویژه، آنکه کمک به هم‌نوع به‌عنوان یک فضیلت انسانی مشترک در گوهر و سرشت عموم بشر قرار دارد. این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی – تحلیلی در پی پاسخگویی به پرسش‌های ذیل می‌باشد: «حمایتگری» و «کنش حمایتگرانه» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چه جایگاهی دارد؟ تأثیر این رفتارها بر پیشبرد اهداف سیاست خارجی ایران اسلامی چیست؟

نتایج به‌دست آمده از پژوهش نشان می‌دهد که رفتار حمایتگرانه در اسناد بالادستی نظیر قانون اساسی از جایگاه مهمی برخوردار است و در افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، گسترش عمق استراتژیک، تقویت دیپلماسی عمومی، مقابله با تروریسم و دیگر موارد تأثیرگذار است.

واژه‌های کلیدی: کنش حمایتگرانه، سیاست خارجی، قدرت نرم، دیپلماسی عمومی، تروریسم، ایران.

1. J.dorakhshah@yahoo.com
2. A.kamali.politics@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

مقدمه

کنش حمایت‌گرانه مبتنی بر انگیزه‌های خیرخواهانه که برگرفته از تعالیم اسلامی است، می‌تواند بستر مناسبی برای تبلیغ و تألیف قلوب نسبت به جمهوری اسلامی ایران، گسترش حوزهٔ نفوذ اجتماعی ایران و در مواردی حتی موجب تعمیق اهداف استراتژیک نظام شود. به‌ویژه، آنکه حمایتگری و کمک به هم‌نوع عاملی در جهت تألیف قلوب و نزدیکی عاطفی و روحی است و به‌عنوان یک فضیلت انسانی مشترک در فطرت عموم بشر قرار دارد. بنابراین، دور از انتظار نخواهد بود که پیگیری اصل حمایت از محرومان در دستگاه سیاست خارجی کشور می‌تواند عامل مهمی در شکل‌گیری و سامان‌دهی ارتباط با توده‌های مردمی در جوامع هدف باشد.

اگرچه پژوهشگران و نویسندگان تألیفات و پژوهش‌های بسیاری در زمینه لزوم حمایت از مستضعفان و نهادینه کردن آن در چارچوب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران انجام داده‌اند، اما غالب این تحقیقات علمی از منظری ارزشی به پدیده «حمایتگری» و لزوم اتخاذ سیاست‌های متناسب با آن می‌پردازد، حال آنکه پژوهش حاضر با رویکردی متمایز، بر آن است تا به جنبه‌ها و وجوه چرایی این رفتارها و نتایج آنها بپردازد.

چارچوب مفهومی

۱. کنش حمایتگرانه

به‌طورکلی هرگونه کمک و استعانت صرف‌نظر از هدف آن، کنش حمایتگرانه محسوب می‌شود. لیکن آنچه در پژوهش حاضر حول محور «رفتار حمایتگرانه» مدّنظر قرار می‌گیرد، تخصیص هرگونه کمک یا رفتاری از جانب یک دولت به دیگری به‌نحوی‌که در راستای اهداف سیاست خارجی کشور و منافع ملی آن قرار گیرد، است (الهی، ۱۳۷۳: ۱۵۱). در تعریف مذکور باید دقت کرد که اهداف و منافع به شکل ملموس و غیرملموس، مادی و غیرمادی تعریف می‌شود.

از نظر مجاری پرداخت‌کننده، کمک‌ها به دودسته تقسیم می‌شوند. برخی از این کمک‌ها دوجانبه بوده و مستقیماً بین دو یا چند دولت مبادله می‌شوند. دستهٔ دیگر نیز رفتارهای حمایتی و کمک‌های چندجانبه هستند که از سوی مؤسسات بین‌المللی توزیع می‌گردد و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

مجریان آن نیز سازمان‌های بین‌المللی خاص هستند (Riddell, 2007: 3).

۱-۱. تحول مفهومی کنش حمایتگرانه

در دو دهۀ گذشته آثار متعددی در مورد کمک‌های بشردوستانه و سیاست‌های حمایتی دولت‌ها منتشر شده است که بخش قابل‌توجهی از آن اختصاص به نتایج این اقدامات در مسئله توسعه کشورها دارد. اما در طول سال‌های اخیر تغییراتی در حوزه سیاست‌های حمایتی به وجود آمده که حاصل آن بروز تحولاتی در آثار مربوط به این حوزه را در پی داشت. از جمله این تحولات می‌توان به «تغییر توجه از نیازهای اولیه به مسائل حقوق بشر»، «تغییر مفهوم حاکمیت دولت‌ها در عصر جهانی‌شدن» و «سازمانی شدن سیاست‌های حمایتی دولت‌ها» اشاره کرد (گوهری‌مقدم و جاودانی مقدم، ۱۳۹۱: ٤).

۲. قدرت نرم

مفهوم «قدرت نرم» تلویحاً برای نخستین بار بعد از جنگ جهانی دوم توسط ای.اچ.کار اندیشمند واقع‌گرای انگلیسی، در سال ۱۹۳۹م، مطرح شد. کار قدرت بین‌المللی را در سه بخش نظامی، اقتصادی و قدرت تسلط بر افکار توصیف کرد (Carr,1964: 108)، اما قدرت نرم به‌مثابۀ یک نظریۀ منسجم برای اولین بار توسط جوزف ساموئل نای[1]، در مقاله‌ای با عنوان «گمراه‌کنندگی استعاره انحطاط» [۱] مطرح شد و ازاین‌رو، از وی به‌عنوان مبدع قدرت نرم در جهان یاد می‌شود. تعاریف متعددی از قدرت نرم وجود دارد، اما از مجموع تعاریف مطرح چنین برمی‌آید که قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائۀ چهره موجه از خود، کسب اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی داخلی و خارجی است (نای، ۱۳۸۲: ۱۰).

۳. دیپلماسی عمومی

«توسعه و پیشرفت ارتباطات و اطلاعات در جامعه اطلاعاتی بین‌المللی و، به تبع آن، ظهور سیاست فرابین‌المللی ایجاب‌کنندۀ یک فرهنگ دیپلماسی نوینی است که بر شفافیت، باز بودن و همکاری با بازیگران جامعه مدنی و فروملی در حوزۀ همگانی استوار است. این

1. Joseph S. Nye

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

نوع دیپلماسی که غالباً دیپلماسی عمومی یا دیپلماسی خط دوم خوانده می‌شود، متضمن و مستلزم ارتباط با گروه‌های مرجع، رهبران احزاب سیاسی، گروه‌های ذی‌نفوذ، نخبگان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، رسانه‌ای به‌عنوان سازندگان افکار عمومی و کلی شهروندان جهت شکل‌دهی افکار و هماهنگ‌سازی اذهان آنان با اهداف سیاست خارجی است» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۷-۲۰۶)

به بیانی ساده‌تر، «دیپلماسی عمومی»، تلاش‌ها و اقدامات حکومت یا دولت برای تأثیرگذاری بر اذهان و افکار نخبگان و عامه مردم کشورهای دیگر ارزیابی می‌شود و با این نیت صورت می‌گیرد که کشور هدف، سیاست‌ها، ایده‌ها و آرمان‌های کشور عامل را خودی تلقی کند و با آن احساس این‌همانی داشته باشد (شیخ‌الاسلامی و فاطمی‌صدر، ۱۳۹۲: ۵۱-۵۰).

اهمیت کنش حمایتگرانه در دین اسلام

مروری بر منابع دینی در زمینهٔ حمایتگری بیانگر آن است که مبارزه با فقر و محرومیت به‌اندازه‌ای مورد اهتمام بوده که تجویزات حمایتگرانه به‌عنوان یک اصل مشترک در عموم ادیان و مذاهب قابل‌شناسایی است. این موضوع در اسلام نه‌تنها به‌عنوان یک اصل انکارنشدنی تلقی شده، بلکه یکی از معیارهای تحقق دین‌مداری و ایمان شناخته شده است و بدون آن عبادتگری انسان به کمال خود نمی‌رسد. این موضوع به‌اندازه‌ای حائز اهمیت است که پیامبر گرامی اسلام کسانی را که نسبت به حمایت از محرومان غافل باشند، از دایره ایمان خارج می‌دانند: «کسی که سیر بخوابد و در کنار او همسایه‌اش گرسنه بماند مؤمن نیست»[۲] (نوری، ۱۳۸٤ ق: ۸۰/۲). در مقابل، کسانی که به این فریضه عمل می‌کنند در صف مؤمنان و عبادت‌کنندگان قرار خواهند گرفت: «کسی که نیاز مؤمنی را برطرف کند مثل این است که خداوند را برای همیشه عبادت کرده باشد.» [۳] (علامه مجلسی، ۱٤۰۳: ۳۰۲/۷٤)

در واقع، انسان پرستشگر برای تکمیل ایمان خود نیازمند صفت حمایتگری بوده و باید به روحیه حمایتگری در کنار سایر ارزش‌های دینی ملتزم باشد. خداوند بارها نماز را به‌عنوان تجلی عبادتگری در کنار انفاق قرار داده و با این تأکیدات جایگاه آن را نمایان می‌سازد: «بگو به بندگان من که ایمان آورده‌اند نماز را به پا دارند و ازآنچه به آنان روزی داده‌ایم پنهان و آشکار انفاق کنند پیش از آنکه روزی فرا رسد که نه در آن خریدوفروش هست و نه دوستی.»[٤]

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

در سوره معارج هنگامی‌که به صفات نمازگزاران (به‌عنوان یکی از نمادهای پرستشگری) اشاره می‌شود، حمایت از محرومان و نیازمندان به‌صورت یکی از شاخص‌های اصلی مطرح می‌شود: «مگر نمازگزاران، آنان که همواره بر نمازشان پایدارند و آنان که در اموالشان حقّی معلوم است، برای تهیدست و محروم از معیشت و ثروت.»[۵] همچنین در سوره ذاریات خداوند یکی از اوصاف اصلی متقین را در کنار شب‌زنده‌داری و پرستشگری کمک به نیازمندان اعلام می‌کند: «بی‌تردید پرهیزکاران در بهشت‌ها و چشمه‌سارهایند. آنچه را پروردگارشان به آنان عطا کرده دریافت می‌کنند؛ زیرا آنان پیش از این همواره نیکوکار بودند. آنان اندکی از شب را می‌خوابیدند [و بیشتر آن را به عبادت و بندگی می‌گذراندند] و سحرگاهان از خدا درخواست آمرزش می‌کردند و در اموالشان حقّی برای سائل تهیدست و محروم از معیشت بود». [٦]

۳. جایگاه رفتار حمایتگرانه در پیشبرد اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

بررسی عملکرد سیاست خارجی ایران در دوره‌های مختلف حکایت از آن دارد که رفتارهای حمایتگرانهٔ جمهوری اسلامی با توجه به آموزه‌های دینی محدود به مرزهای جغرافیایی نبوده است. در حقیقت، حضرت امام(ره) با در نظرداشتن معادلات حاکم در روابط بین‌الملل که در بسیاری موارد مسبب شکل‌گیری فقر و فاقه در سطح بین‌الملل است، تلاش داشتند برنامه و الگوی اسلامی را در جهت کاهش عوارض این محرومیت ارائه کنند. در این دیدگاه، مجموعه‌های انسانی همچون حلقه‌های به هم پیوسته‌ای هستند که نادیده‌گرفتن فشار بر هرکدام از آنها در نهایت موجب آسیب به تمام نظام بین‌الملل خواهد شد. بنابراین، می‌توان چنین استدلال کرد که مفهوم حمایتگری و رفتارهای حمایتگرانه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، برخلاف سایر دستگاه‌های سیاست خارجی (که تمامی اهداف، استراتژی‌ها و برنامه‌ها براساس معادلات حاکم بر نظام سرمایه‌داری که ناظر بر سود و زیان اقتصادی است)، متفاوت خواهد بود.

۳-۱. انعکاس «رفتار حمایتگرانه» در اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران

سیاست خارجی هر کشور برآیند اندیشه‌ها، خواسته‌ها، آرمان‌ها و اهداف برگرفته از نیازها، ارزش‌ها و هنجارهای درون جامعه است که بازتاب نظری آن در اسناد بالادستی و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

انعکاس عملی آن در چارچوب دستگاه دیپلماسی آن کشور نمایان است. خط‌مشی کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز در قانون اساسی و سند چشم‌انداز و سخنان امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب متجلی شده است. اهم اصولی که به موضوع رفتارهای حمایتگرانهٔ ایران در عرصه بین‌المللی پرداخته است عبارت‌اند از:

۳-۱-۱. قانون اساسی

اصل سوم: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است همهٔ امکانات خود را برای رسیدن به امور ذیل به‌کار برد: «تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.»

اصل یازدهم: به حکم آیهٔ کریمه «ان هذه امتکم امه واحدهٔ و انا ربکم فاعبدون»، همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش کند تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

اصل چهاردهم: به حکم آیهٔ شریفه «لا ینهکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین ولم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین»، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظف‌اند به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

اصل صد و پنجاه و چهارم: جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

۳-۱-۲. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ ه.ش

تدوین سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران که فرایندی حدود پنج سال را تا زمان ابلاغ طی کرده بود، از پیوستی ۵۰ هزار صفحه‌ای به‌عنوان اسناد پشتیبان برخوردار

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

است که در آن سعی شده است ضمن بررسی و تبیین ضرورت تدوین چنین سندی، نسبت به الزامات و توجیهات دستیابی به هدف غایی «مبدل شدن به قدرت برتر منطقه آسیای جنوب غربی»، اهتمام ورزیده شود (بحرانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۰).

در این سند تأکید می‌شود: با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی‌شده و مدبرانهٔ جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساس در چشم‌انداز بیست‌ساله، ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل، جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

الف) الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعهٔ کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره).

ب) دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.

با عنایت به مفاد این سند، از یک‌سو، لازمهٔ الهام‌بخشی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام، ابتنای اصول آن بر تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) ذکر شده و از سوی دیگر، اهتمام دین اسلام و به تبع آن، امام خمینی (ره) به حمایت از مستضعفان و محرومان جهان بر هیچ‌کس پوشیده نیست.

۳-۱-۳. دیدگاه امام خمینی (ره)

محرومان و مستضعفان جامعه در هندسهٔ معرفتی امام خمینی (ره) از جایگاه والایی برخوردارند. ایشان در ترسیم گفتمان اسلام ناب محمدی در قالب گزاره‌هایی از قبیل: «آنهایی که منشأ آثار بزرگ بودند ساده زندگی می‌کردند» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۵۱/۱۹)، «انبیاء از قشر محروم بودند» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ٤١٣/٧)، «عبادتی بالاتر از خدمت به محرومان وجود ندارد» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ٤٢٦/١٧)، «فقرا و متدینان بی‌بضاعت، گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلاب‌ها هستند» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ٨٦/٢١)، «پایین شهری‌ها ولی‌نعمت ماها هستند» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ٢٤/١٦) و «خدمت به گودنشینان و طبقات کم‌درآمد جامعه افتخار است»

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

(امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳٤۲/۲۰)؛ چهره‌ای پردرد، انسان‌دوست و مبتنی بر کرامت انسانی از فقرا و محرومان ارائه می‌دهد و از این طریق می‌کوشد با ارائهٔ قرائت دینی از «جایگاه مستضعفان» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۷۱/۹)، راهبرد حمایتگرانهٔ خود را با محور قراردادن این اصل که «محرومیت‌زدایی عقیده و راه زندگی ماست»، استوار کند (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳٤۱/۲۰).

حضرت امام راهبرد سیاسی محرومیت‌زدایی را چنین تشریح می‌نمایند:

«خدا نیاورد آن روزی را که سیاست‌ها و سیاست مسئولان کشور ما پشت‌کردن به دفاع از محرومان و روی‌آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار بشوند. معاذالله که با سیره و روش انبیاء و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) سازگار نیست» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳٤۱/۲۱).

نگرش ایشان به مستضعفان و فقرزدایی محدود به مرزهای جغرافیایی نشده، بلکه در سطح جهانی با درک مناسبات حاکم بر نظام بین‌الملل به‌رغم اینکه اقدام به طرحی راهبردی برای دستگاه سیاست خارجی کشور می‌کنند؛ اما با مؤلفه‌ها و معیارهای حاکم بر سیاست خارجی عمده کشورهای جهان در تعارض است. امام راحل در این رابطه چنین بیان می‌کنند:

«ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۹۱/۲۱).

۳-۱-٤. دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

یکی از مهم‌ترین آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران، حذف صهیونیسم از جهان بود و برخی اندیشمندان، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بیداری اسلامی را روحیه ضدصهیونیستی و بیزاری از سیاست‌های جاه‌طلبانه آمریکایی- صهیونیستی می‌دانند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۲).

آیت‌الله خامنه‌ای نیز در مقاطع مختلف تاریخی و در سخنرانی‌ها و پیام‌های مختلفی که جنبهٔ بین‌المللی داشته است، همواره بر راهبرد حمایتگرانه از ملل مستضعف جهان و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش تأکید کرده‌اند. برای مثال، ایشان در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین تأکید می‌نمایند: «هرچه دامنه مبارزات لبنان و فلسطین گسترده‌تر می‌شود، برآشفتگی و عصبانیت صهیونیسم و آمریکا از نظام جمهوری اسلامی بیشتر

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

و توطئهٔ آنها گسترده‌تر می‌گردد، ولی آنها بدانند به‌رغم تبلیغاتشان، ملت عظیم‌الشأن ایران و مسئولان و رؤسای کشور، همگی منسجم هستند. مردم مسلمان ایران یکپارچه از آرمان‌های انقلاب و اسلام حمایت می‌کنند و حمایت از فلسطین، انتفاضه و مبارزه با صهیونیسم و حامیانش از ارکان اصلی سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران است [۷].

۴. تأثیرات رفتارهای حمایت‌گرانه در پیشبرد اهداف سیاست خارجی

در این مبحث به کار ویژه‌های رفتارهای حمایتگرانه در سیاست خارجی کشورها پرداخته می‌شود. با توجه به اهداف گسترده‌ای که رفتارهای حمایتگرانه می‌تواند در پیشبرد منافع دولت‌ها دربرداشته باشد، طبیعی است که بازیگران اصلی روابط بین‌الملل به دنبال تقویت و استفادهٔ هرچه بیشتر از این رفتارهای حمایتی به‌مثابه ابزار سیاست خارجی باشند.

٤-١. تقویت دیپلماسی عمومی

با شکل‌گیری و تقویت نقش دولت- ملت‌ها در تعاملات بین‌المللی، عموماً روابط و مناسبات میان دولت‌ها متکی بر شیوه‌های رسمی دیپلماتیک بنا شده است، به‌گونه‌ای که این قبیل ارتباطات کمتر به سطح ملت‌ها در قالب ارتباطات اجتماعی تسری می‌یابد. در این میان، هرچند به‌تدریج سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی درصدد گسترش نقش خود به‌عنوان بازیگران جدید بوده‌اند، اما اغلب تعاملات بین‌المللی در سطح ارتباطات رسمی میان کشورها می‌گنجد که در برخی موارد حتی زمینه‌ساز بروز تعارضات جدی بین دیدگاه‌های دیپلماتیک با علائق و مراودات اجتماعی بین ملت‌ها و دولت‌ها می‌شود. این در حالی است که بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی به‌عنوان عاملی اساسی در شکل‌دهی و سمت‌دهی افکار عمومی می‌تواند در جهت تسهیل و اثرگذاری مثبت بر دیپلماسی رسمی کشورها موردتوجه تصمیم‌سازان سیاست خارجی قرار گیرد (آشنا و جعفری، ١٣٨٦: ١٨٨). اهمیت موضوع به‌قدری است که وزارت خارجه آمریکا پس از منحل‌شدن بخش آژانس اطلاعاتی آمریکا و در پی اصلاح و تقویت ساختار دیپلماسی عمومی در وزارت امور خارجهٔ آن کشور اقدام به ایجاد معاونت دیپلماسی عمومی در کنار سایر معاونت‌های آن وزارتخانه کرده است.

در این میان، بحث دیپلماسی عمومی در عرصهٔ سیاست خارجی بیشتر مبتنی به مباحثی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

نظیر قدرت نرم، جنگ نرم و غیره است که اغلب افکار عمومی سایر کشورها را مخاطب قرار می‌دهد و براساس آن تلاش دارد تا سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار دهد، به‌طوری‌که یک رابطهٔ دوسویه میان دیپلماسی عمومی و قدرت نرم وجود دارد و دیپلماسی عمومی یکی از منابع قدرت نرم به شمار می‌رود که «هدف آن جذب قلوب و افکار مردم کشورهای دیگر و رهبران است و نه لزوماً دولتمردان و سیاستمداران آنها» (شیلر، ۱۳۷۷: ۱۰). همچنین، در تبیین قدرت نرم نیز باید گفت که اگر قدرت به معنای «توانایی نفوذ در رفتار دیگران برای گرفتن نتیجهٔ مطلوب» تلقی شود، قدرت نرم توانایی به دست‌آوردن خواسته‌ها و اثرگذاری بر رفتار دیگران «از طریق مجذوب کردن به‌جای اجبار، تهدید و تشویق» (قدرت سخت) است (بیگی، ۱۳۸۸: ۱۲). در واقع، قدرت نرم بر «جذابیت و کشش» مبتنی است که از طریق جذابیت‌های فرهنگی، ایده‌های سیاسی و سیاست‌ها صورت می‌گیرد.

به نظر جوزف نای اساس قدرت نرم بر ارزش‌ها نهاده شده است. در همین چارچوب عامل فرهنگ یکی از منابع مهم قدرت نرم به‌حساب می‌آید (جوزف نای، ۱۳۸۲). در همین چشم‌انداز، می‌توان چنین استدلال کرد که از عوامل دیگری که در تولید و ایجاد قدرت نرم بسیار مؤثر است، ایدئولوژی و مذهب است. بدین ترتیب، یکی از ویژگی‌های بارز قدرت نرم مردمی بودن و غیررسمی بودن آن است. شاید به همین دلیل باشد که از عمق و تأثیر بسیار بیشتری برخوردار است، چراکه بر اعتماد و کسب هر چه بیشتر آن بنا شده است.

در این قالب، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران نه‌تنها همچون سایر انقلاب‌های بزرگ امری انکارناپذیر و قطعی به‌نظر می‌رسد و ازآنجایی‌که عامل فرهنگ یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی محسوب می‌شود موجب شده تا موضوع قدرت نرم به یکی از مؤلفه‌های تعیین‌کننده در دستگاه سیاست خارجی کشور به‌شمار آید. به عبارت دیگر، با عنایت به ماهیت انقلاب اسلامی ایران که انقلابی مبتنی بر فرهنگ و بسط ارزش‌های اسلامی بوده است، طبیعی به‌نظر می‌رسد که دستگاه سیاست خارجی آن بالقوه، امکان نفوذ و اثرگذاری ویژه‌ای در میان بیش از یک میلیارد مسلمان داشته باشد. بنابراین، اگر ایدئولوژی به‌عنوان یکی از بنیادهای قدرت نرم به‌حساب آید، ایدئولوژی اسلامی انقلاب ایران نیز دارای قدرت فوق‌العاده‌ای در جلب و جذب مسلمانان و حتی غیرمسلمانان با پیام معنویت‌گرایی و اخلاق‌گرایی و توجه به کرامت انسانی بوده است. بر همین اساس، امام خمینی (ره) با

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

اتکای به تفکرات و اندیشه‌های اسلامی و با محوریت قراردادن اصولی نظیر اصل حمایت از محرومان ضمن مدیریت معنوی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران نه‌تنها گسترهٔ ایران اسلامی را مدّنظر قرار داشتند، بلکه در جهان اسلام و به بیان جامع‌تر در کل جهان مستضعفان از استقبال بی‌نظیری برخوردار بوده‌اند. ارزش‌های فرهنگی و اعتقادی، نظیر حاکمیت فرهنگ ایرانی- اسلامی، از مهم‌ترین معیارها و بنیان‌های معنوی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. بی‌تردید، خصائل فرهنگی ایرانیان، نفاذ کلمه و عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران را بالا برده است (ربیعی، ۱۳۹۳: ۱۰٤-۱۰۲).

به گفتهٔ جوزف نای، در جهان امروز جنبش‌های مذهبی سازمان‌یافته نیز مانند کلیسای کاتولیک روم از جمله بازیگران عرصه قدرت نرم هستند (جوزف نای، ۱۳۸۳). البته ذکر مجدد این مطلب ضروری است که مبنا و هدف از رفتارهای حمایتگرانهٔ جمهوری اسلامی ایران با کمک‌هایی که در قالب برنامه‌های توسعه کشورهای غربی انجام می‌شود متفاوت است. همین مسئله سبب شده تا رفتارهای حمایتگرانه مبتنی بر انگیزه‌های خیرخواهانه بتواند بستر مناسبی برای تبلیغ و تألیف قلوب نسبت به جمهوری اسلامی ایران، گسترش حوزه نفوذ اجتماعی و در مواردی حتی موجب تعمیق اهداف استراتژیک نظام شود. در چنین رویکردی ارتباط با توده-های محرومان و بطن جوامع به اشکال زیر اثربخش است:

الف) تألیف قلوب نسبت به جمهوری اسلامی ایران: یکی از برنامه‌هایی که همواره در دستور کار سیاست خارجی کشورها قرار دارد، تقویت جایگاه کشور در افکار عمومی بین‌المللی است. این موضوع با توجه به تبلیغات علیه ایران اسلامی و لزوم مقابله در برابر فضاسازی‌های سیاسی بنگاه‌های خبرپراکنی غربی از اهمیت ویژه‌ای در دستگاه سیاست خارجی برخوردار است. اگر تبلیغات در یک تعریف عمومی شامل هر تلاش منظم به‌منظور اثرگذاری روی افکار عمومی دانسته شود (محمدی‌فر، ۱۳۷۷: ۳۹)، صدور ارزش‌های انقلاب و تبلیغ ارزش‌های اسلامی در راستای عمل به وظایف و تکالیف تعهدات دینی نظیر اصل حمایت از محرومان یکی از طرقی خواهد بود که می‌تواند با تأثیر بر اذهان مخاطبان و الگوهای رفتاری آنها در پیشبرد سیاست خارجی کشور مؤثر باشد. به‌ویژه، آنکه حمایتگری و کمک به هم‌نوع عاملی در جهت تألیف قلوب و نزدیکی عاطفی و روحی است و به‌عنوان یک فضیلت انسانی مشترک در فطرت عموم بشر قرار دارد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

ب) گسترش حوزه نفوذ اجتماعی ایران: گذری بر احکام و تعالیم دینی نظیر کنگره حج، نماز جماعت و غیره حکایت از آن دارد که اسلام در عین توجه به مسائل فردی عنایت خاصی به اجتماع دارد. به‌گونه‌ای که قرارگرفتن در اجتماع و توجه به آن یک فضیلت است. این موضوع درخصوص آموزه‌های مربوط به حوزه حمایت از محرومان نیز ساری و جاری است تا جایی‌که یکی از اهداف عمدهٔ حمایتگری، کمک به برقراری و ایجاد ارتباط با توده مردم به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر اجتماع است که عموماً در محاسبات سیاسی و اجتماعی نادیده گرفته شده‌اند. در حقیقت، ایجاد تعامل و همکاری در میان جامعه یکی از شاخص‌های حمایتگری محسوب می‌شود. امام صادق (علیه‌السلام) دراین‌باره می‌فرمایند: «بر مسلمانان لازم است که در رفع نیازهای مسلمانان با هم همکاری کنند و با آنان با عطوفت و برادری رفتار کنند و محبت و مهربانی و همکاری را هم برنامه زندگی خود قرار بدهند» [۸] (کلینی، ۱۳٦۵: ۱۷۵/۲).

به بیان دیگر، رفتارهای حمایتگرانه مبتنی بر ارزش‌های دینی به طرق گوناگون تأکید می‌کند که مقوله حمایتگری معطوف به بطن جامعه و تک‌تک افراد اجتماع است. این در حالی است که رفتارهای حمایتی سایر کشورها که برگرفته از مبانی و ایدئولوژی غربی و مبتنی بر اصل سود و زیان مادی‌گرایانه است، الزامی برای ارتباط با توده‌های مردمی و محرومان نداشته و، بنابراین، مشاهده می‌شود که کمک‌های توسعه دولت‌ها و سازمان‌های خیریه کشورهای غربی به کشورهای محروم عمدتاً در قالب تعامل با مسئولان آن کشورها و در ازای عقد قراردادهای سودجویانه که اغلب منتهی به ازدست‌دادن منابع اولیهٔ آنها می‌شود صورت می‌پذیرد. بنابراین، دور از انتظار نخواهد بود که پیگیری اصل حمایت از محرومان در دستگاه سیاست خارجی کشور می‌تواند عامل مهمی در شکل‌گیری و سامان‌دهی ارتباط با توده‌های مردمی در جوامع هدف و عاملی جهت تقویت دیپلماسی عمومی باشد (دهقانی فیروزآبادی و فیروزی، ۱۳۹۱: ۹۱)

ج) تعمیق اهداف استراتژیک نظام: کارشناسان مسائل بین‌الملل معتقدند که دنیای امروز با جنگ نرم و به‌کارگیری روش‌هایی که می‌تواند ذهنیت‌ها و نگرش‌ها را تغییر دهد، مواجه است (باقری، ۱۳۸۷: ۲۱۷). پس، در صحنه‌های مختلف تا زمانی که افکار عمومی آماده نشود برنامه‌ها تحقق نمی‌یابد و، بنابراین، بازیگران عمده بین‌المللی حجم وسیعی از برنامه‌های خود

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

را در بخش دیپلماسی عمومی و از طریق مراکز علمی، سازمان‌ها و مؤسسات غیردولتی، شخصیت‌های برجسته فکری، هنرمندان، ورزشکاران و غیره پیگیری می‌کنند.

در همین قالب، پیروزی انقلاب اسلامی تغییرات و تحولات چشمگیری در عرصهٔ نظام بین‌الملل به‌ویژه حوزه ایده و تفکر به همراه داشته است. جمهوری اسلامی ایران در قالب دیپلماسی رسمی و عمومی حرف‌های جدیدی را در دنیا مطرح کرده است که براساس آیین اسلام برای همه موضوعات راه‌حل مناسبی ارائه می‌دهد (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۷). با این توضیحات تکیه‌بر نقش رفتارهای حمایتگرانه که اغلب از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد خیریه و انسان‌دوستانه و در قالب دیپلماسی عمومی ساماندهی و اجرا می‌شود، عامل مؤثری در پیشبرد اهداف کلان نظام در عرصه سیاست خارجی به شمار می‌آید. به‌ویژه آنکه گرایش فطری عموم انسان‌ها به نوع‌دوستی و خدمات انسانی به همنوعان (فارغ از مرزبندی‌های متعارف سیاسی، نژادی، مذهبی، قومی) زمینه مناسبی برای رفع سوءتفاهمات و رسیدن به همکاری سازنده بین دولت‌ها و ملت‌ها فراهم می‌آورد.

در این چشم‌انداز، یکی از مهم‌ترین بازتاب‌ها و نمودهای اثرگذاری رفتارهای حمایتگرانهٔ بین‌المللی در حوزه دیپلماسی عمومی و عرصه سیاست خارجی کشورها در قالب واژه «دیپلماسی حمایت» [۹] قابل بررسی است.

بررسی اهداف، راهبردها، برنامه‌ها و فعالیت‌های حمایتگرانهٔ برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران در قالب فعالیت‌های خیرخواهانه و بشردوستانه نهادها و سازمان‌هایی نظیر کمیته امداد امام خمینی(ره) که براساس اندیشه‌های حضرت امام خمینی(ره) و بر پایه اصول مبنایی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده است در این مسیر راهگشاست. برای نمونه در سند چشم‌انداز بیست‌ساله این سازمان آمده است: کمیته امداد امام خمینی(ره) دارای ویژگی الهام‌بخش، فعال و مؤثر در سطح ملی، جوامع اسلامی و بین‌المللی به‌عنوان تکیه‌گاه قابل‌اعتنای محرومان و مستضعفان است (www.emdad.ir/1 November 2014).

همچنین در بخش امور ارتباطات و خدمات بین‌الملل کمیته امداد به محورهای زیر اشاره شده است:

۱. حمایت ممکن از نیازمندان و محرومان خارج از کشور براساس منویات مقام معظم رهبری و هماهنگ با سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

۲. تأمین ارتباطات با مؤسسات خیریه و تشکل‌های عام‌المنفعه مردمی و سازمان‌های بشردوستانه بین‌المللی.

۳. شناسایی فرصت‌های مناسب جهت گسترش ارتباطات حمایتی بین‌المللی امداد (همان).

موضع‌گیری سازمان‌های رقیب در عرصه بین‌المللی یا مخالفان جمهوری اسلامی ایران درخصوص فعالیت‌های حمایتگرانهٔ نظام بیانگر تأثیرات عمیق رفتارهای حمایتگرانه در عرصه دیپلماسی حمایت و تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است. برای مثال می‌توان به گزارش "اندیشکده امریکن اینترپرایز" در تازه‌ترین جریان‌سازی خود علیه جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد که در آن به فعالیت‌های انسان‌دوستانه کمیته امداد امام خمینی(ره) در کشورهایی مثل افغانستان به‌منزله نمونه‌ای از جنگ نرم ایران علیه آمریکا تعبیر کرده است (www.aei.org/2 November 2014).

بنابراین، با عنایت به‌جایگاه ویژه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی نظام و همچنین بررسی رابطه و تأثیر رفتارهای حمایتگرانهٔ بین‌المللی در شکل‌گیری دیپلماسی عمومی کشور می‌توان انتظار داشت که تقویت رفتارهای حمایتگرانه می‌تواند موجب پیشبرد اهداف کلان نظام در عرصه بین‌المللی شود.

٤-۲. تقویت صلح و امنیت بین‌المللی

یکی از آرزوهای دیرینهٔ بشر در سطح جامعه بین‌المللی، دستیابی به صلح و امنیتی است که در نتیجهٔ آن، بی‌عدالتی از زندگی انسان رخت بربسته و منزلت و کرامت انسانی جایگاه خود را بازیابد. با گذشت زمان و ایجاد تغییراتی در توقعات و نیازهای انسان‌ها، متغیرهای جدیدی برای تعریف امنیت به‌ویژه در بُعد بین‌المللی وارد عرصه شده‌اند. به‌گونه‌ای که امروزه پدیده‌هایی چون فقر بین–المللی، قحطی، نبود بهداشت و غیره از مهم‌ترین عوامل برهم‌زننده امنیت بشر تلقی می‌شود. از سوی دیگر، همزمان با پیچیده‌ترشدن ساختار اجتماعات بشری، سطح وابستگی متقابل امنیتی میان انسان‌ها نیز متحول شده به‌طوری‌که رابطهٔ فقر با اصطلاحاتی چون منافع ملی، امنیت بین‌المللی و امنیت جهانی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم (افزایش مهاجرت‌های غیرقانونی، دزدی دریایی، آدم‌ربایی و گروگان‌گیری و غیره) گره خورده است. با وجود تلاش‌های صورت‌گرفته مانند تأسیس و فعالیت سازمان‌های بین‌المللی حقوق

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

بشری، همچنان آمار مستند بیانگر آن است که فقر، گرسنگی، عقب‌ماندگی و اشکال مختلف خشونت، اجزای گوناگون ساختار اجتماعی در سطح بین‌المللی را آزار می‌دهند و، ازهمین‌رو، پژوهشگران از آن به نام «خشونت ساختاری» یاد می‌کنند که بیش از جنگ‌ها مردم را مورد آسیب قرار داده است.

اولین نتیجه در بررسی آمار رو به تزاید فقر در ساختار متداول بین‌الملل آن است که مدل حاکم بر نظام بین‌المللی توانایی رفع نواقص موجود را نداشته و، در نهایت، پاسخگوی مشکلات بشری نیست و حتی مولد فقر و محرومیت و افزایش عوارض آن نظیر ناامنی و بی‌ثباتی شده است. در تأیید مطلب باید افزود بسیاری از اندیشمندان بین‌المللی مانند باری بوزان مدعی هستند که اقدامات قدرت‌های اقتصادی جهان در قالب سازمان‌هایی چون سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و غیره به بی‌عدالتی بین‌المللی و فقر کشورهای دیگر دامن زده و زمینه را برای خیزش جنبش‌های تروریستی یا بروز جنگ‌های داخلی یا بین‌المللی فراهم کرده است (بوزان، ۱۳۷۸: ۳٤). در حقیقت، فقر و توسعه‌نیافتگی جزء مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی هستند که اگرچه ممکن است در نگاه نخست ناشی از سوء مدیریت نظام سیاسی داخلی یک کشور یا محصول تخصیص ناعادلانه ثروت جهان در سطح بین‌المللی به‌نظر آیند، نظریه‌پردازانی چون آندره گوندر فرانک و یا امانوئل والرشتاین معتقدند که ساختار نظام بین‌الملل که قدرت‌های اقتصادی برتر جهان طراح اصلی آن بوده‌اند به شکلی است که درآن مرکز به‌صورت مستمر، پیرامون را استثمار می‌کند (www.zend-agi.com/1 November 2014). آنها پدیده‌هایی چون شرکت‌های چندملیتی را نیز به‌نوعی نمایندگان استعمار جدید می‌دانند که نیروی کار، منابع و بازار کشورهای پیرامونی را به انحصار خود درآورده و استثمار می‌کنند و بدین ترتیب به گسترش فقر دامن می‌زنند.

اگرچه در این مجال فرصت تبیین رابطه فقر و ناامنی در نظام موجود بین‌الملل از ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیست اما به‌اختصار باید گفت ریشه بسیاری از خشونت‌ها، جنگ‌ها، ترورها و غیره در تبعیضات، استثمار و عقب نگاه‌داشتن جوامع محروم در بهره‌مندی از منابع و ظرفیت‌های طبیعی قابل پیگیری است (Mosley, 2012: 80). طبق اصول اولیه ساختار نظام بین‌الملل که براساس مدل سرمایه‌داری غربی بنا شده است، سود و زیان در هر کاری نقش کلیدی و تعیین‌کننده دارد و، بنابراین، توجه به ارزش‌ها و هنجارهای برخاسته

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

از سرشت انسانی نظیر حمایت از محرومان تا جایی معتبر خواهد بود که اصل سودجویی به چالش نیفتد. به‌علاوه، ازآنجایی‌که محرومیت با مقولاتی مانند آموزش، بهداشت و اشتغال عجین شده است، طبیعی است که نقصان در هر یک از این موارد عوارضی در پی داشته باشد که سرانجام منجر به بروز تنش و بی‌ثباتی شود.

بنابراین، چنین استدلال می‌شود که اولاً نباید به محرومیت کشورهای کمتر توسعه‌یافته به‌منزلهٔ مسائل داخلی کشورها نگریسته شود، بلکه باید در نظر داشت که نظام بین‌الملل به‌مثابه یک سیستم شامل مجموعه‌ای است که از اجزای خود یعنی کشورها تشکیل شده که در این حالت بی‌ثباتی و خلل در هر یک از اجزای تشکیل‌دهندهٔ سیستم، در نهایت به بی‌ثباتی کل مجموعه به‌ویژه حوزه امنیت خواهد انجامید. ثانیاً، این‌گونه نیست که محرومیت فقط به‌طور مستقیم بر نظام بین‌الملل آسیب برساند، بلکه بروز حوادثی نظیر دزدی‌های دریایی از جانب گروهک‌های خلافکاری جوامع محروم آفریقایی در دریای آزاد، افزایش مهاجرت‌های غیرقانونی و قاچاق انسان برای کاریابی، افزایش قاچاق مواد مخدر و غیره بازتابی از اثرات غیرمستقیم محرومیت بر امنیت بین‌المللی است.

در یک تصویر کلی از رابطهٔ نظام سلطه‌جو بر محرومان و همچنین نگرش ارزش‌محور نظام اسلامی بر محرومان می‌توان چنین استدلال کرد که رفتارهای حمایت‌گرانه جمهوری اسلامی ایران که فارغ از منفعت‌جویی‌های سرمایه‌داری و در قالب ارزش‌های انسانی استوار شده، تأثیر بسزایی در مسیر کمک به تقویت ثبات و امنیت جوامع محروم از طریق ارتقاء آموزش، توانمندسازی و غیره خواهد داشت. همچنین، در نگاهی کلان به موضوع باید افزود که در صورت گسترش ایده‌ها و تفکرات حمایت‌گرانه در سطح بین‌المللی جهت رسیدن به سازوکارهای مشترک نظیر شکل‌گیری همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و حرکت در مسیر طراحی بلوک‌های حمایتی منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند زمینه‌ساز تقویت ثبات بین‌المللی در جهت ایجاد تعادل در نظام بین‌الملل شود.

٤-٣. ابزار مدیریت منازعه

همان‌گونه که کمک‌های دولت‌ها می‌تواند منازعه به وجود آورد، به همان مقدار نیز می‌تواند در مدیریت منازعات مؤثر باشد. بر این اساس، باید رفتارهای حمایتگرانه دولت‌ها نه براساس

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

صرف نیاز دولتی دیگر، بلکه براساس تأثیر آن بر روند منازعات تخصیص یابد. به‌عبارت‌دیگر، مناظره اصلی میان کمک‌های مؤثر یا کمک‌های اخلاقی است. اگر تنها هدف کمک‌ها پایان فقر و گرسنگی در نظر گرفته شود و توجهی به پایان دادن به یک جنگ و منازعه صورت نگیرد، نتیجه حاصله چندان مطلوب نیست. از سوی دیگر، باید توجه کرد اصل بی‌طرفی در اثرگذاری کمک‌ها بسیار مهم است. عملیاتی کردن این اصل به معنای آن است که دسترسی مستقلانه جهت ارزیابی و نظارت، تضمین امنیت کارکنان مهیا شده و طرفین درگیری نتوانند از کمک‌ها به نفع مقاصد خویش استفاده کنند (Macrae, Leader, 2000: 6).

رفتار حمایتگرانه در مدیریت منازعه به معنای ترکیب لوازم سیاسی و امنیتی مرتبط با صلح با لوازم حمایتی و کمک کشورهاست. این ترکیب می‌تواند تبعات اخلاقی و فنی خاصی دربرداشته باشد. دولت‌ها در پی ایجاد بهترین ترکیب و کسب حداکثر منافع از آن هستند و، بنابراین، در شرایطی تمایل آنها به سمت یکی از این دو امر افزایش یا کاهش می‌یابد. به‌عنوان‌مثال، دولت انگلستان در سال ۱۹۹۷ م، کمک‌های خود را به سیرالئون قطع نمود و در پاسخ به منتقدان خود اعلام داشت دلیل این امر مهیا نبودن شرایط تأثیر این رفتارهای حمایتگرانه در مقطع مذکور بوده است. در آن زمان سیاست خارجی بریتانیا به سمت فشار بیشتر به مقامات دولت سیرالئون گام برداشت و از ادامه کمک‌ها به‌عنوان اهرمی تأثیرگذار به این کشور جلوگیری کرد. (Riddell, 2007: 65) این مثال به‌خوبی تأثیر سیاست خارجی کشورها بر رفتار حمایتی آنها را نشان می‌دهد. در سطح فنی نیز میزان تأثیر رفتارهای حمایتگرانه بر فرایند صلح و حل منازعه در عمل محل تأمل است.

به‌عنوان‌مثال، در صربستان اتحادیه اروپا تصمیم گرفت نفت شهرداری‌های مخالف دولت را تأمین نماید. در واقع، اتحادیه اروپا از این اقدام حمایتگرانه به‌عنوان پیامی رسمی در جهت تحت فشار قرار دادن صربستان استفاده کرد. هرچند در مورد میزان تأثیر این اقدام بر روند صلح در صربستان نمی‌توان ارزیابی دقیقی کرد، ولی اروپاییان از اقدام حمایتی خود به‌منظور مقاصد سیاسی بهره‌برداری کردند (Riddell, 2007: 67).

یکی از نکات قابل‌توجه در رفتارهای حمایتگرانه کشورها در سطح بین‌المللی همکاری دو یا چند کشور در قالب رفتارهای حمایتی دوجانبه یا چندجانبه است. این نهادها که بعضاً می‌توانند سازمان‌های بین‌المللی خاصی نیز تشکیل دهند، در روند تصمیم سازی نهادهای

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

بین‌المللی نظیر سازمان ملل برای حل‌وفصل اختلافات ورود پیدا کرده و تصمیمات این سازمان‌ها را تحت تأثیر قرار دهند و از این طریق حتی منافع خویش را تعقیب نمایند و از ماهیت بی‌طرفی رفتارهای حمایتگرانه فاصله گرفته و در پوشش این اقدامات سعی در اثرگذاری بر روندهای صلح‌سازی و حل منازعه کنند. این امر می‌تواند ناشی از تفاوت رویکرد کشور یا کشورهای حامی با کشورهای پذیرنده کمک باشد. به‌عنوان‌مثال، کشور حامی ممکن است رویکردی مبتنی بر صلح لیبرالی را تعقیب نماید حال‌آنکه این مسئله در کشور هدف چندان مطرح نباشد. در مجموع، در سال‌های اخیر جریان رفتارهای حمایتگرانه از اقدامی در جهت توسعه پیشگیرانه به سمت ابزاری در جهت کاهش شدت وحدت منازعه در حرکت بوده است، چراکه این رفتارها قابلیت کاربرد هم در عرصه توسعه و هم در عرصه مسائل سیاسی را دارد. به‌عنوان‌مثال، بهبود وضعیت معیشتی مردم در افغانستان مانع از پیوستن آنها به طالبان و القاعده شده است و از این طریق رسیدن به صلح تسهیل خواهد شد.

از سوی دیگر، قضیه رفتارهای حمایتگرانهٔ کشورها در سیاست خارجی خود می‌تواند سبب تشدید منازعات گردد. به‌عنوان‌مثال کمک‌های نقدی و غیرنقدی می‌تواند در اختیار دشمنان و رقبا قرار گرفته و باعث تقویت آنها شود. همچنین، تقسیم منابع کمک می‌تواند باعث درگیری گروه‌های نیازمند شده و خود عاملی برای اختلاف گردد. از سوی دیگر، این کمک‌ها می‌تواند بر دستمزدها، قیمت‌ها و منافع افراد و گروه‌ها اثر گذارده و باعث تشدید منازعه شود. برای جلوگیری از این وضعیت بهتر است کمک‌ها و رفتارهای حمایتی دولت‌ها در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی انجام پذیرفته و نهادهایی نظیر سازمان ملل جهت پیگیری اهداف کمک‌ها و افزایش انسجام از طریق اتخاذ استراتژی مشترک و براساس سیاست‌ها و اصول کلان اقدام کنند (Pugh, 2001: 350).

درمجموع مدیریت منازعات و ایجاد آشتی میان طرفین درگیر می‌تواند یکی از مهم‌ترین اهداف رفتارهای حمایتگرانه دولت‌ها باشد. ایجاد صلح و امنیت بین‌المللی در طول تاریخ از اهداف رژیم‌های بین‌المللی و دولت‌های اصلی نظام بوده است. یکی از شیوه‌های تحصیل این مهم، کمک به اشکال مختلف در جهت مصالحه و آشتی طرفین و مدیریت منازعات و اختلافات بین‌المللی است که به دلیل اهمیت موضوع برای منافع ملی کشور کمک‌کننده و یا ضرورت ثبات سازی در منطقه مشخص پیگیری می‌شود. ازاین‌رو، تغییر شکل منازعات و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

کاهش خشونت‌ها از اهداف سیاست خارجی کشورهاست. هرچند برخی معتقدند بیش از منافع افراد محروم و نیازمند منافع کشورهای قدرتمند تأمین می‌شود.

٤-٤. روش مقابله با تروریسم

دولت‌ها به‌طور سنتی مهم‌ترین و قدرتمندترین بازیگران نظام بین‌الملل بوده‌اند. با این وجود، برخی از متفکران روابط بین‌الملل دولت‌های فرومانده [۱۰] را به‌خصوص پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، عامل مهم ناامنی می‌دانند. القاعده به‌عنوان یک گروه تروریستی از افغانستانِ ورشکسته ریشه گرفت، عضوگیری کرد و اقدام به برنامه‌ریزی تروریستی کرد. از این‌رو، می‌توان این نوع از دولت‌ها را چالشی مهم در نظام بین‌الملل و مانعی در راه حفظ صلح بدانیم. استفان والت معتقد است حادثه ۱۱ سپتامبر نشان داد که دولت‌های فرومانده مهم‌ترین تهدید امنیتی نظام بین‌الملل بوده و دیگر موضوعی قابل‌ترحم و بشردوستانه به شکل سنتی خود تلقی نمی‌گردند (Walt, 2002: 62). در گذشته کشورهایی نظیر سومالی، سیرالئون، لیبریا، رواندا و افغانستان به‌عنوان مسائل انسان‌دوستانه موردتوجه نظام بین‌الملل بود، درحالی‌که اکنون این کشورها تبدیل به عامل فاجعه‌آمیز نظام شده و مهم‌ترین تهدید امنیتی تلقی می‌شوند. شرایط اجتماعی و اقتصادی موجود در برخی کشورها و وجود دولت‌های ضعیف و ناتوان از برقراری امنیت و کنترل سرزمین‌های خود محیط مساعدی برای رشد گروه‌های تروریستی به وجود آورده است. ناتوانی دولت‌ها در برآوردن نیازهای اولیه شهروندان خود و اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی در چنین کشورهایی سبب وخامت اوضاع و از دست‌دادن جایگاه دولت نزد ساکنان آن شده و اقدامات مردمی در جهت تأمین نیازهای خود سبب بروز هرج‌ومرج و وخامت اوضاع می‌شود. هرچند، عوامل دیگری نظیر جنگ‌های داخلی و دخالت خارجی و مسائلی از این قبیل را در شکل‌گیری دولت‌های ناکارآمد نمی‌توان از نظر دور داشت. از سوی دیگر، دولت‌های ضعیف یا سرزمین‌های فاقد دولت مشکل دیگری را نیز می‌توانند پدید آورند که این مشکل عبارت است از شکل‌گیری باندهای تبهکاری که نوعی دولت جایگزین را ایجاد کرده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، در این حالت اقدامات تبهکارانه بین‌المللی به‌عنوان ریشه شکل‌گیری تروریسم تلقی می‌شود. در این حالت شبکه‌های مختلفی بین گروه‌های تروریستی و دولت‌های فرومانده به وجود آمده که پیگیری و مقابله با تروریسم را بسیار دشوار می‌سازد (Makarenko, 2001: 41).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

گاهی دولت‌ها به‌طور کامل فرومانده نیستند، بلکه همبستگی درونی آنها اندک و ظرفیت‌های حکومتداری آنها ضعیف است. در چنین حالتی نیز که جامعه در حال انتقال و گذار بوده و دولت‌ها وظایف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی خود را به‌خوبی انجام نمی‌دهند نیز امکان شکل‌گیری ناامنی در فضای موجود وجود دارد. چنین دولت‌هایی به دلیل ضعف ساختاری در معرض اقدامات گروه‌های تبهکار و جنایات سازمان‌یافتهٔ بین‌المللی هستند. دلیل این امر، فقدان مشروعیت دولت، فقدان کنترل بر مرزها، ناکارآمدی و عدم وجود قوانین لازم، وضع بد اقتصادی شهروندان، عدم‌حمایت از تجارت افراد و نبود کنترل اجتماعی لازم از طریق نظام قضایی کارآمد است (گوهری مقدم، ۱۳۹۱: ۱۹۳-۱۹۵).

درمجموع تروریست‌ها دولت‌های فرومانده را به سه دلیل عمده ترجیح می‌دهند: اول این دولت‌ها از تروریست‌ها تا اندازه‌ای حمایت می‌کنند. دوم این کشورها به دلیل تنوع قومی و زبانی و فرهنگی امکان جابجایی راحت‌تر را به تروریست‌ها می‌دهند. سوم دولت‌های فاسد این کشورها به‌راحتی از سوی تروریست‌ها تطمیع شده و این امر اقدامات تروریست‌ها را تسهیل می‌کند (Menkhaus, 2003: 12-15). مجموعهٔ این مسائل سبب شده است که رفتارهای حمایتی در جهت تحکیم پایه‌های حکمرانی در این کشورها اهمیت زیادی یابد تا از این راه امنیت دولت‌ها و نظام بین‌الملل تأمین شود. کمک به دولت‌های فرومانده در پی حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، به‌شدت گسترش یافته و ایالات‌متحده و کشورهای غربی بودجه‌هایی را برای کمک به تقویت دولت‌های ضعیف و فرومانده به‌خصوص در مناطق بحران‌زده نظیر افغانستان و پاکستان اختصاص داده‌اند و برای تقویت ساختار داخلی در کشورهای متحد خود در این مناطق مبالغی را هزینه می‌کنند تا مانع از عضوگیری و ورود افراد و گروه‌های این مناطق به گروه‌های تروریستی شوند.

٤-٥. تقویت دیپلماسی حمایت

دیپلماسی حمایت موتور محرکهٔ رفع فقر و تمرکززدایی در نظام بین‌الملل است. دیپلماسی حمایت بیش از هر ابزار دیگر دیپلماسی، مخالف و فرسایندهٔ جنگ و خشونت است. همچنین، این نوع دیپلماسی موجب شده است تا کابوس فاصله‌ها در هم شکسته شود و ارتباط مستمر میان مردم دنیا در اشکال انسان‌دوستانه و سطوح گوناگون میسر شود. افزایش ارتباطات

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

موجب افزایش جریان گستردهٔ انسان‌ها، اندیشه‌ها، سرمایه‌ها و ارتباطات شده است که به‌نوبهٔ خود چالش‌هایی را به‌عنوان پیامدهای ناخواسته به دنبال دارند.

اصل پرداخت کمک‌های مالی و غیرمالی جهت جذب برخی کشورها به دولت اسلامی، یا تعدیل موضع آنها نسبت به کشور اسلامی و سیاست‌های آن، اصلی است که از سوی غالب فقها مورد تأیید است و به اعتقاد برخی از آنان باید از اصول سیاست خارجی اسلام به شمار آید. قطع‌نظر از اختلاف‌نظر در مورد دریافت‌کنندگان کمک‌های مالی و غیرمالی تحت عنوان «تألیف قلوب» یا منبع تأمین این کمک‌ها، این اصل می‌تواند اهرم مناسبی در دست حکومت اسلامی جهت تأمین برخی از منافع خود باشد. در دیپلماسی معاصر نیز کمک‌های خارجی با عنوان وام یا کمک بلاعوض مالی و غیرمالی، نقش بسزایی در جذب کشورهای دیگر و تأمین همسویی یا تعدیل مواضع آنها نسبت به سیاست‌های بین‌المللی کشور پرداخت‌کننده بازی می‌کنند.

از جمله کار ویژه‌های دیپلماسی حمایت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌توان به این موارد اشاره کرد:

– اهداف ژئوپولتیکی پیشدستانه مانند ایجاد متحدان برای ایران، ایجاد بازدارندگی در برابر دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به‌گونه‌ای که ایران خطر دشمنان را در پشت مرزهای خود دشمنان سد کند (بی‌نیاز، ۱۳۹۱: ۳٦۵).

– ایجاد اتحاد و تفرقه: یک کشور باید با دیپلماسی حمایت دوستان و متحدانی برای خود دست‌وپا کند. این روابط دوستی و اتحاد اغلب زمینهٔ خود را در وجود منافع مشترک پیدا می‌کند. مثلاً وجود یک دشمن مشترک می‌تواند زمینهٔ خوبی برای ائتلاف و اتحاد دو کشور برای مقابله با آن باشد.

– تحکیم مواضع سیاسی و ایدئولوژیک: سیاست خارجی یک کشور باید منعکس‌کنندهٔ قدرت و ثبات و هماهنگی داخلی آن باشد. سیاست خارجی و دیپلماسی ملهم و منبعث از سیاست داخلی دولت و قالب‌های فکری و ایدئولوژیک حاکم بر آن است. ایدئولوژی زنجیری بر پای تحرک دیپلماتیک نیست؛ یک دولت ضعیف و منفعل در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی نمی‌تواند شریک و متحد یا معامل خوبی برای کشور دیگری که درصد تحکیم مواضع خود یا پیشبرد مقاصد و اهداف ملی خود است باشد. اعتبار چنین

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

دولتی در عرصهٔ بین‌الملل پایین است. برعکس دیپلماسی فعال حمایتی دولت‌های دیگر را راغب می‌سازد که به‌عنوان یک شریک معتبر به کشور دارای دیپلماسی فعال روی‌آورند. همچنین، دیپلماسی حمایت کوششی است برای ایجاد بازدارندگی فرهنگی و ایدئولوژیک و بازدارندگی فرهنگی اقدامی است به‌منظور تأمین امنیت ملی (بی‌نیاز، ۱۳۹۱: ۳٦۵-۳٦۸).

٤-۵-۱. کمیته امداد

امداد و رفتار حمایتگرانه یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق اهداف سیاست خارجی است. ادعای ما مبنی بر اهمیت بیشتر شیوهٔ امداد نسبت به دیگر مکانیسم‌ها مبتنی بر این اصل عقلی، علمی، تجربی و تاریخی است که کمک‌رسانی به تألیف قلوب یعنی به دست آوردن دل‌ها می‌انجامد و همواره نوعی راهکار ایجاد بروندادهای مثبت در سیاست‌های خارجی است. در این بین، کمیته امداد امام خمینی (ره) با ایفای این نقش بین‌المللی می‌تواند سهم بسزایی در راستای اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد.

لزوم فعالیت برون‌مرزی کمیته امداد ریشه در جهان‌شمولی، فلسفی، کلان، فراگیر و ابدی بودن اعتقادات اسلام دارد. اگر حمایت از مستضعفان جهان قانون حاکم بر سیاست خارجی شریعت اسلام است و قوانین موضوعهٔ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز منبعث از شرع اسلام باشد، آنگاه حمایت از مستضعفان به‌عنوان قانون شرعی، در حمایت از مستضعفان به‌عنوان قانون وضعی، تبلور می‌یابد. پس سیاست حمایت از همان ابتدا به‌عنوان یک روش مؤثر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ظاهر و حاکم شد و نظریات رهبران ایران در دورهٔ پس از انقلاب اسلامی مبنی بر حمایت از شیعیان برخی کشورها تجلی این پارادایم در رفتار عملی سیاست خارجی است. پس در واقع، سیاست حمایت همواره قابلیت آن را دارد که در جایگاه قانون و پارادایم در رفتار سیاسی اسلامی قرار گیرد و در شکل نظریه و دکترین تجویز شود و به منصه ظهور و مرحلهٔ عملیاتی برسد.

اگر ایران اسلامی اهداف ایدئولوژیک هم نداشت، باز هم باید به جرگه اعمال کنندگان دیپلماسی حمایت بپیوندد، چراکه بی‌توجهی به شیوه‌های نوظهور دیپلماتیک، حتی اگر این شیوه‌ها هزینه‌بر و سرمایه‌بر باشند پذیرفته نیست. ایدئولوژی اسلام نیز مانند همه جوانب دیگر به این ابزارهای پیشرفته مجهز است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

جمع‌بندی

در این مقاله مفهوم «دیپلماسی حمایت» یا «رفتار حمایتگرانه» و جایگاه آن در رهیافت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تشریح شد. بدین منظور جایگاه حمایتگری بین‌المللی در اسناد بالادستی ایران اسلامی بیان گردید و مطرح شد که در واقع شاکله اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌انحاءمختلف با آرمان‌های اسلامی و مفاهیم مکتبی برگرفته از تفکرات امام خمینی (ره) عجین شده است، به‌گونه‌ای که انعکاس این اندیشه‌ها در چارچوب اصلی و اصول سازنده سیاست خارجی با شدت و ضعف در هر دوره‌ای نمایان بوده است.

بهره‌گیری از دیپلماسی حمایت یا رفتار حمایتگرانه نتایج مثبت فراوانی نظیر «تقویت دیپلماسی عمومی» در پیشبرد سیاست خارجی داراست و از مهم‌ترین مصادیق آن می‌توان به «تعمیق اهداف استراتژیک» اشاره کرد که بیانگر گسترش میزان نفوذپذیری است. با توجه به آنچه مطرح گردید به لزوم اتخاذ رفتارها و سیاست‌های حمایتگرانه پی‌می‌بریم و التزام بدین مقوله با عنایت به گسترش رسانه‌ها و مستحیل شدن نظام دولت- ملت در عصر جهانی‌شدن مساعی بیشتری می‌طلبد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

پی‌نوشت‌ها

1 . Misleading Metaphor of Decline

۲ . لَیْسَ بِالْمُؤْمِنِ الَّذی یَشْبَعُ وَ جارُهُ إلی جَنْبِهِ جائِعٌ.

۳ . مَنْ قَضی لِمُؤْمِنٍ حاجَةً کانَ کَمَنْ عَبَدَ اللهَ دَهْراً.

٤ . قُلْ لِعِبادِیَ الَّذِینَ آمَنُوا یُقِیمُوا الْصَّلوةَ وَ یُنْفِقُوا مِمّا رَزَقْناهُمْ سِّراً وَ عَلانِیَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ یَأْتِیَ یَوْمٌ لا بَیْعٌ فِیهِ وَ لاخِلالٌ (ابراهیم /۳۱)

٥ . إِلَّا الْمُصَلِّینَ الَّذِینَ هُمْ عَلَی صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ وَالَّذِینَ فِی أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (معارج/۲۲-۲٤)

٦ . إِنَّ الْمُتَّقِینَ فِی جَنَّاتٍ وَعُیُونٍ آخِذِینَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ کَانُوا قَبْلَ ذَلِکَ مُحْسِنِینَ کَانُوا قَلِیلًا مِنَ اللَّیْلِ مَا یَهْجَعُونَ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ وَفِی أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (ذاریات/۱۵-۱۹)

۷ . بیانات در مراسم گشایش کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضه فلسطین ۱۳۸۰/٤/۲

۸ . یَحِقُّ عَلَی الْمُسْلِمِینَ الْإِجْتِهادُ فِی الْتَّواصُلِ وَ الْتَّعاوُنِ عَلَی الْتَّعاطُفِ وَ الْمُواساةُ لِأَهْلِ الْحاجَةِ وَ الْتَّعاطُفُ بَعْضُهُمْ عَلی بَعْضٍ

9 . Support diplomacy

10 . failed states

منابع

قرآن کریم (۱۳۸۸). ترجمه محمدمهدی فولادوند. رسم‌الخط عثمان طه. تهران: هلیا.

آشنا، حسام‌الدین؛ جعفری، نادر (۱۳۸٦). «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی؛ پیوندها و اهداف». *فصلنامه دانش سیاسی*. مجله دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی (دانشگاه امام صادق علیه‌السلام). شماره ۵.

الهی، همایون (۱۳۷۳). «کمک‌های خارجی: برای توسعه یا علیه توسعه». *فصلنامه سیاست*. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران). شماره ۳۲.

باقری، سیامک (۱۳۸۷). *بسیج و مدیریت قدرت نرم؛ رویکردی سیستمتیک*. در مجموعه مقالات قدرت نرم؛ فرهنگ و امنیت (مطالعه موردی بسیج). تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

بحرانی، مرتضی؛ حسینی، سیدمالک؛ ملکی، محمود (بهار ۱۳۹۱). «فرصت‌های ایران برای تبدیل به قدرت منطقه‌ای». *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. شماره ۱.

بنی فضل، مرتضی بن سیف علی (۱٤۲۸ ق). *مدارک تحریر الوسیلة- الزکاة*. مکتب الاعلام الاسلامی.

بی‌نیاز، علی (۱۳۹۱). «دیپلماسی حمایتگرا و دولت کریمه منطقه‌ای». *انفاق و کمک‌های بین‌المللی*. گردآوری: کاووس سیدامامی. دانشگاه امام صادق علیه‌السلام. تهران. چاپ اول.

خمینی، سیدروح الله موسوی (۱۳۸۵). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشرآثار امام خمینی (ره).

درخشه، جلال؛ غفاری، مصطفی (۱۳۹۰). «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام فرصت‌ها، اقدامات، اولویت‌ها و دستاوردها». *فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات*. شماره ٤۸.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹). «دیپلماسی فرهنگ جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس». *فصلنامه*

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

سیاست. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران). دوره ٤٠. شماره ٤.
دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ فیروزی، علیرضا (١٣٩١). «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی». *فصلنامه روابط خارجی*. شماره ١٤.
ربیعی، حسین (پاییز ١٣٩٣). «تبیین شاخص‌های ژئوپلتیک قدرت هوشمند ایران در راستای تحولات جدید خاورمیانه». *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. شماره ٤.
سرخیل، بهنام (١٣٩١). «حمایت از محرومان در اندیشه امام خمینی (ره) و نقش آن در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران». *انفاق و کمک های بین‌المللی*. گردآوری: کاووس سیدامامی. دانشگاه امام صادق (ع). تهران. چاپ اول.
شیخ‌الاسلامی، محمدحسن؛ فاطمی‌صدر، امیر (زمستان ١٣٩٢). «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در لبنان». *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. شماره ٤.
شیلر، فردریش (١٣٧٧). *آزادی و دولت فرزانگی*. ترجمهٔ محمود عبادیان. تهران: فرهنگ و اندیشه.
صباغیان، علی (١٣٩١). «عوامل و پیامدهای سیاسی شدن کمک‌های بشردوستانه». *انفاق و کمک‌های بین‌المللی*. گردآوری: کاووس سیدامامی. دانشگاه امام صادق علیه‌السلام. تهران. چاپ اول.
طباطبایی، محمدحسین (١٣٧٤). *تفسیر المیزان*. ترجمهٔ سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم.
عمید زنجانی، عباس علی (١٣٨٣). *فقه سیاسی*. تهران: امیرکبیر.
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (١٣٦٨). تهران: نشر میزان.
کلینی، محمدبن‌یعقوب (١٣٦٥). *الکافی*. به کوشش علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الإسلامیهٔ.
گرجی، رسول (١٣٩٠). *بررسی فقهی حقوقی مصادیق تالیف قلوب در مبحث زکات*. استاد راهنما: زین‌العابدین قربانی؛ استاد مشاور محمدعلی قربانی؛ استاد داور سیدنورالدین مهدوی‌مقدم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد لاهیجان.
گوهری‌مقدم، ابوذر (١٣٩١). «رفتارهای حمایتگرانه در سیاست خارجی کشورها». *انفاق و کمک‌های بین‌المللی*. گردآوری: کاووس سیدامامی. دانشگاه امام صادق علیه‌السلام. تهران. چاپ اول.
گوهری مقدم، ابوذر؛ جاودانی مقدم، مهدی (١٣٩١). «جایگاه سیاست‌های حمایتگرایانه آمریکا در جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی ایران». *فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. سال اول. شماره ٣.
مجلسی، محمدباقر (١٤٠٣ ق). *بحار الأنوار*. بیروت: مؤسسهٔ الوفاء.
محمدی‌فرد، محمد (١٣٨٩). *مؤلفه‌های راهبردی تعاملات برون مرزی کمیته امداد امام خمینی (ره)*. تهران: معاونت امور بین‌الملل کمیته امداد.
موسوی، محمد؛ توتی، حسینعلی؛ موسوی، محمدرضا (پاییز ١٣٩١). «تحولات انقلابی مصر و جایگاه رژیم صهیونیستی در منطقه». *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. شماره ٣.
نای، جوزف اس. (١٣٨٢). *کاربرد قدرت نرم*. ترجمه سیدرضا میرطاهر. تهران: نشر قومس.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]

نای، جوزف (۱۳۸۷). *قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل*. ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
نوری، حسین‌بن محمدتقی (۱۳۸٤ ق). *مستدرک الوسائل*. تهران: کتابفروشی اسلامی.
محمدی‌فر، محمدرضا (۱۳۷۷). *فرهنگ تبلیغات*. تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.

Carr, E.H. (1964). The Twenty Years Crisis, 1919-1939, An Introduction to the Study of International Relations. New York: Harper & Row.

Riddell, R. (2007). Does Foreign Aid Really Work?. London: Oxford University Press.

Mosley, P. (May 2012). "Political violence, state instability, and poverty". The journal of the Politics of Poverty Reduction.

Pugh, M. (2001). "The Challenge of Civil Military Relations in International Peace Operations". The journal of Disaster Studies. Vol. 25. No. 4.

Macrae, J.; Nicholas, L. (2000). The Politics of Coherence: Humanitarianism and Foreign Policy in the Post-Cold War Era. HPG Briefing Humanitarian Policy Group, Overseas Development Institute.

Walt, S. (2002). "Beyond Bin Laden: Reshaping U.S. Foreign Policy". International Security. Vol. 26. No. 3.

Makarenko, T. (2001). "The Changing Faces of Terrorism whithin the Russian Federation". Jain's Intelligence Review. No. 13.

Menkhaus, K. (2003). "Quasi-States, Nation-Building, and Terrorist Safe Havens". The Journal of Conflict Studies. Vol. 23. No. 2.

منابع اینترنتی

آخرین تاریخ مشاهده در ۱۰ آبان ۱۳۹۳ – http://www.emdad.ir/activities/files/p3.pdf
آخرین تاریخ مشاهده در ۱۱ آبان ۱۳۹۳ – https://www.aei.org/tag/alfoneh
آخرین تاریخ مشاهده در ۱۰ آبان ۱۳۹۳ – http://www.zendagi.com/new_page_289.htm

به این مقاله این‌گونه استناد کنید: DOI:۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۲۰۲
درخشه، جلال؛ کمالی، علی (۱۳۹۵)، «بازنمایی «کنش حمایتگرانه» در آیینه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س٦، ش۱، بهار ۹۵، صص ۲۹-۸۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-11]